

به نام خدا

نویسنده: راحله موسوی
آرشیوار: تنظیم کننده: آرش مرزبان

من و یاسوایی که در داستانم به خواب رفته

سرشناسه : موسوی، راحله،
 عنوان و نام پدیدآور : من و یاس‌هایی که در دستانم به خواب رفتند / راحله موسوی.
 مشخصات نشر : تهران، جهانتاب، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۱۸۰ ص.
 شابک : 978-964-8247-54-1
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۲ ۵۳۳۸ / ۵۵۳۳ PIR
 رده‌بندی دیوید : ۸۴۱ / ۶۲
 رده‌بندی کلاسی ملی : ۳۱۷۲۹۹۶

نام کتاب: من و یاس‌هایی که در دستانم به خواب رفتند

نوشته: راحله موسوی

انتشارات: جهانتاب

چاپ: اول؛ ۱۳۹۲

محله‌آرایی: م. جهانتاب

اژ: ۱۰۰۰ نسخه

نگرافیک: برنا

شابک: ۱-۵۴-۸۱-۹۶-۹۷۸

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

ناشر : نشر جهانتاب؛ تهران؛ خیابان پیروزی، بعد از بزرگراه امام‌علی، کد پستی ۱۴۱۴۱۴۱۴

کوچه حافظ، پلاک ۲، واحد ۱۰۰

تلفن: ۳۳۴۶۵۰۱

در هراس ناموسی خرنیبه

- ۷ هتا دستهایم جرات گفت
- ۹ هتا اگر چشمانت را بوسیدند ممکن
- ۱۱ هزیانی که می‌بافم
- ۱۳ این روزها از همیشه پراکنده‌ترم
- ۱۵ اینجا موزه‌ی نادیدنی غریبی ست
- دستانم هنوز زنده‌اند
- ۱۹ خواستن‌ها و نخواستن‌های اجباری
- ۲۱ مزه‌ی سرگردانیم تلخ شده
- ۲۳ زبان مردم خودخواه
- ۲۵ هتا صدایی نیست
- ۲۷ سقوط بی‌مرگ
- ۲۹ دنیای مجازی
- ۳۱ قلب من مانند حرفهایم ساده است
- ۳۳ تنها صدای مانده از من
- ۳۵ من همی آن چیزهایی هستم که نیستم



- همه‌ی دقیقه‌ها لبریز از نبودنت ۳۷
- نگاه می‌کنم، اما تاریک ۳۹
- تصویر بی‌رنگ من ۴۱
- ارتعاش نعره‌های بلعیده شده‌ام ۴۳
- تاریکی تنها چیز است که من می‌بینم ۴۵
- قلب‌های ساده همیشه محکوم اند ۴۷
- تنها یک قطره صدای برای نمردنم کافی بود ۴۹
- همه‌ی بودنم درگیر نبودن شده ۵۱
- هر روز بدتر از دیروز ۵۳
- دستها در انتظار رها کردن دستی ۵۵
- این حق من از زندگی با شماها نیست ۵۷
- گرم زندگی بودم ۵۹
- من آدم خطرناکی نیستم ۶۱
- این صداها از من نیست ۶۳
- اسیر تار تاریکم ۶۵
- من دستهایم سالها از همه دوریم ۶۷
- بدلا پاک کن ندارم ۶۹
- من به شوی کودکانم محتاجم ۷۱
- فکر نکردم ولی تونستم ۷۳
- در لبم ۷۵
- این محل شایسته منم شد ۷۷
- من هستم ۷۹
- بهتره همون طوری خیال کنم ۸۱
- همه‌ی این لحظه‌ها تقدیر است ۸۳
- پرستوهای آرامش ۸۵
- دوست داشتم قهرمان قصه را ۸۷
- همه‌ی شما هیچوقت نبودید ۸۹
- رفیق صبور ۹۱
- کاش سنگینی نفسهایم پیاده می‌شد ۹۳
- همه و همه در گوشم می‌خراشند ۹۵
- حیران نگاهم را می‌دزد ۹۷
- آرزو داشتم مهربان بودی ۹۹
- خسته از گفتن و انگار نگفتن هستم ۱۰۱
- چطور می‌توان درد را نوشت ۱۰۳
- شده گیج و گنگ و مبهوت بونی تو بی‌جوابی ۱۰۵

در نقاشی نوشته می خوانیم

۱۰۹	تندیس تکیده و ترک خورده
۱۱۱	می خواهیم با همه‌ی تو سخن بگویم
۱۱۲	دوست داشتم نقاشی می کشیدم
۱۱۷	نفسم داره چون می گیره
۱۱۹	خالی و پُر
۱۲۱	م دنیاایم می شود تو
۱۲۳	بست از بودند در پلکم را نیمه باز می کنم
۱۲۷	تو آبی خیلی روزها پیش تر
۱۲۹	در آغوش صدافت یخی ساخته‌ام
۱۳۱	سم دریا می زنی زیبا می گردد
۱۳۳	تردیب بودند را آرزو دارم
۱۳۵	دستهای من میرا بازم توان ایستادن ندارند
۱۳۷	تمام نبض است
۱۳۹	قندیل‌های سر تهی‌ها دور زیا هستند
۱۴۱	تمام لحظه‌های
۱۴۲	گرم می شوم و عکس‌های
۱۴۵	من به حرف‌های ذهنم
۱۴۷	سهمی از من به دیروزها باقی مانده
۱۴۹	هوای این حوالی
۱۵۱	ترانه‌های نیمه‌تمام درونم
۱۵۳	چراغ‌های عشق، چراغ‌های
۱۵۵	حنجره‌ام رنگ عشق را لمس می کند
۱۵۷	بغض‌ها ترانه می شوند
۱۵۹	دچار نور لطیف شدم
۱۶۱	فصل هفتم
۱۶۳	همه‌ی این دنیای رنگی
۱۶۵	من پروانه‌ای در آرزوی بودنم
۱۶۷	نفس‌هایم درد می کند
۱۶۹	می توانم چشمانم را ببینم
۱۷۱	اگر روجم در تو بود
۱۷۳	طعم مِلَس شاید

